

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۱ جولای ۲۰۱۶

تنظیم، تصحیح و شرح لغات: پورتال

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۹۵

قصائد

- ۹۱ -

در مدح شهزاده محمود^۱

زهی به پیش صفات خرد ز حیرانی
زهی بلند مکمانی، که آسمان بلند
شعاع رأی تو خلق زمانه را، خورشید
توئی، که مثل تو نارد فلک آگهی به مثل
به چشم تربیت ار بنگری به جانب مور
بر اوج چرخ، زحل نیست بل کهن پیری ست
هران چه مشکل جود است، در جهان کرم
چو چشم شبیره، در آفتاب نورانی
نهد به پیش تو بر خاک راه، پیشانی
غبار راه تو ابر^۲ سپهر کیوانی
در آب و آئینه از عکس یابدت، ثانی
سزد که مور کند، دعوی سلیمانی
به آستان تو، مشغول شغل دربانی
زبان کلک تو آن حل کند، به آسانی

^۱ این منظومه عنوان نداشت، و عنوان بالا از متن استخراج شد!!! (مصحح پورتال)

^۲ ب. بر ابر

^۳ اصل مصراع "توئی، که مثل تو نارد فلک به مثل" بود، که کمبود هجاء دارد و مصحح آن را با علاوه کردن "گهی"، تکافؤ کرد!!!

^۴ این کلمه باید همین طور که نوشته شده است، با "پای جلی" تلفظ گردد، ورنه وزن مختل می شود.!!! (مصحح)

گهر فشاندن داند، سحاب نیسان نیز
ز رشک عزم تو برباد، ابرِ گرینده
جز از وجود تو گیتی کجا تواند یافت؟
سپهر مرتبنا! ای، که گشته در وصف
مرا ز روی قدیمی‌گری درین دولت
امید نیز بُود، کسان امیدها یکسر
همیشه تا سخن از جسم و جان بود، مَرَساد
ولی چو کلک تو نبُود، به گوهر افشانی
چو از وقار تو، بر کوه و دشت زندانی
خصایص مَلکی، در وجود انسانی
هزار بار خرد معترف^۵ به نادانی
امیدهاست، درین بارگاه سلطانی
به عون و لطف تو گردد روا، به آسانی
به جان پاک تو، دردی ز رنج جسمانی

سفیینهٔ املِ دشمنت، به بحرِ بلا

ز اوج حادته بادا مُدام، طوفانی

^۵ الف. معتکف